مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال اول)
شماره۲/ زمستان ۱۳۹۴ / ص۵۲-۴۵

طراحی محیط(cpted)،با جستاری بر پیشگیری از جرم با نگاهی بر امنیت جامعه

مجتبی محمَّدی زاده کرمانی نژاد[۱]، نیلوفر نصیری مقدم[۲]

[۱] عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

[۲] کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی کرمان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مجتبی محمَّدی زاده کرمانی نژاد

چکیده

محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند، بر روح و روان وی تأثیر زیادی دارد و می‌تواند انگیزه ارتکاب به جرم و جنایت در وی را تقویت کند.اما آنچه موجب کاهش انگیزه جرم در سارقان وبزهکاران خواهد شد، نوع معماری ساختمان است.نظریه CPTED بر این ادعا استوار است.که می توان با طراحی مناسب محل سکونت، کار و زندگی افراد، از جرائم ارتکابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد.این پیشگیری، بر این باور است که مجرم ارتکاب جرم را انتخاب می کند، جرم معلول فرصت است، مجرم فردی عقلانی است و جرم انتخابی عقلانی است و تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی راحت تر از تغییر و مبارزه با ضعف های بشری و اصلاح شخصیت افراد است.در نتیجه راه حل مناسب را کم کردن فرصت های مجرمانه می داند.در این مقاله که، از لحاظ نوع، نظری و کاربردی بوده و از نظر روش، تحلیلی ـ توصیفی می باشد.گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای صورت گرفته که با مطالعهٔ کتاب ها، مقاله ها و بهره گیری از اینترنت و تحلیل و بررسی موضوع از دیدگاه حقوق کیفری و دانش معماری شهری، متن نهایی به زیور طبع آراسته گردیده است.

واژگان کلیدی: محیط زندگی فرد بزهکار،CPTED ، پیشگیری از جرم، امنیت جامعه.

مقدمه

شناخت عوامل جرم زا دغدغه خاطر بسیاری از تحلیل گران و دانش‌پژوهان عرصه علوم مرتبط با جرم‌شناسی است،چرا که بنیادی‌ترین شیوه برای کاهش بزهکاری ریشه در روش‌های روزآمد پیشگیری از جرم دارد.

در این میان از حیث نحوه تأثیر عللی که می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشد ،علاوه بر علل نزدیک بزهکاری همچون خانواده و گروه دوستان ، نمی‌توان اهمیت علل دور را نادیده انگاشت.عللی همچون محیط زندگی افراد ، بافت جامعه نشینی شهری و روستایی که جملگی در "سبک زندگی " حلول می‌یابند.سبک زندگی از چارچوب فضای خارجی (شهر یا روستای محل زندگی یا غیر از آن) شروع و به فضای داخلی زندگی افراد(نوع مسکن) ختم می‌شود.کافی است به فضاهای بیرونی کوچه و خیابان نگاهی بیندازیم و به عنوان مثال از خود بپرسیم آیا برای سرقت، سارق خانه‌ای بی‌حفاظ و بدون نگهبان و دزدگیر را انتخاب می‌کند یا خانه‌ای را که در اکثر موارد حتی در نبود ساکنین خانه پنجره‌هایش گشوده است، نگهبانی ندارد و میله‌ها و حصار بلندی در باروهای حیاط آن تعبیه نشده و ...؟ پاسخ کاملاً روشن است.حرفه‌ای ترین تبهکاران و یا ناشی‌ترین افرادی که در پیشینه خود سابقه ارتکاب جرم ندارند، مورد دوم را انتخاب می‌کنند.پس فضای بیرونی و یا داخلی خانه را چگونه باید طراحی کرد و معماری بیرونی خانه چگونه باشد تا ساکنین آن خانه در حاشیه امنیت و آرامش خاطر در آن زندگی کنند.

در الگویی بزرگ‌تر با مجموعه خانه‌هایی کنار هم مواجه هستیم که چه با آخرین متد معماری و چه به ابتدایی‌ترین شکل ممکن، ساختار یک کوچه و یا خیابان را ترسیم می‌کنند.

در همین راستا در سال ۱۹۷۳ در ایالت نیوجرسی آمریکا از قانون "محله‌های پاک و امن "ساختار نظریه‌ای جدید تحت عنوان "پنجره‌های شکسته" شکل گرفت.این نظریه که اولین بار توسط جیمز ویلسون مطرح شد، بیان می‌داشت: باید در محله‌ها با مظاهر جرم و بی‌نظمی مبارزه کرد و صاحبان درها و پنجره‌های شکسته را وادار می‌کردند هر چه زود تر آنها را تعمیر کنند.تصاویر مستهجن به سرعت از روی دیوارها پاک می‌شدند و حتی با ترسیم‌کنندگان آنها به شدت برخورد قانونی می‌شد و ....(جیکوز،۱۳۸۶،۲۵)

هر چند نقش ساکنین کمرنگ نیست اما بدیهی است؛ شیوه ساختاری و معماری کوچه و خیابان این قبیل محله‌ها با محله‌های اعیان‌نشین تفاوت داشته و در تفکر جرم شناختی چه از نگاه مجرمین بالقوه و چه از منظر افراد عادی تأثیر چشمگیر دارد .

این تأثیر را از سه منظر می‌توان موثر دانست:

۱- سازه و بافت خانه محل سکونت بزهکاران به عنوان عاملی جهت تقویت انگیزه‌های بزهکاری.(همچون خانه‌های حاشیه شهرهای بزرگ که به تعدادی از آنها حلبی‌آباد نیز میگویند)

۲- سازه و ساختار کوچه و خیابان محل سکونت بزهکاران به عنوان عاملی که بزهکاری در این نوع محله‌ها را آسان می‌کند.(مانند پخش و توزیع مواد مخدر در محله‌های بی‌سامان و دچار هرج‌ومرج)

۳-سازه و ساختار خانه و کوچه و خیابانی که بزهکار ، ارتکاب جرم در این محله‌ها و خانه‌ها را به دلیل حاشیه امنیت از حیث دستگیر شدن یا فرار و یا عواید مالی ترجیح می‌دهد.

در این مقاله، قصد داریم؛ به بررسی طراحی محیط(cpted)،با جستاری بر پیشگیری از جرم با نگاهی بر امنیت جامعه، بپردازیم.

۱- تبیین مفاهیم

۱-۱- مفهوم امنیت اجتماعی

مفهوم Societal Security (امنیت اجتماعی) برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان(Barry Buzan) ، ال ویور (Ole Waever) و لمیتر (Lemaiter) تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید.انگیزه طرح این عبارت امواج تهدید آمیزی بود که «هویت گروهها» را در معرض خطر قرار داده بودند.بدین معنا که از یکسو با رشد فناوریهای نوین و مجتمع های صنعتی، هویت بعضی گروهها در هویت های مسلط هضم می شد (مانند غیر اقتصادی و در نتیجه نابود شدن آموزش فرهنگ و زبان اوکراینی در روسیه یا پر هزینه بودن آموزش و پژوهش به زبان کردی در ترکیه) و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می گردید.(مانند اقامت و اشتغال سیاهپوستان آفریقایی تبار در فرانسه یا قاچاق کارگران به کشورهای اسکاندیناوی).بوزان و ویور و بعضی دیگر از محققان اروپایی در سال ۱۹۹۳ با تعریف Societal Security به عنوان «دستور کاری جدید برای امنیت در اروپا» پیشگامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند که امروزه به موضوعی جذاب و مناقشه انگیز مبدل شده است.

۱-۱-۱- امنیت اجتماعی، واکنش طبیعی به نیازی اساسی

نقش امنیت در هر سطحی و با هرگونه بُعدی در بسترسازی توسعهٔ جوامع انسانی،فراهم آوردن فضای فکری، مدیریت زندگی اجتماعی، مشارکت در روابط اجتماعی و بالاخره زمینه سازی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر را برای شهروندان هر جامعه ای فراهم می کند.از این رو امنیت در طول تاریخ رشد و تعالی جوامع انسانی را رقم زده است، و بر همین مبنا حوزه های مطالعات امنیتی سطوح و ابعاد متعددی را پوشش می دهد.

با توجه به چنین اهتمامی امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص ها عمده پدیده امنیت جزء نیازهای اساسی انسان و فصل مشترک همهٔ مشکلات انسان از بیماری روانی گرفته تا خودکشی، اعتیاد و بزهکاری است.بحث امنیت اجتماعی به خصوص در تأمین بهداشت اجتماعی و روانی و در کاهش آسیب های اجتماعی و روانی، همچنین در گسترش سلامت اجتماعی و روانی اهمیت بسیاری دارد.بنابراین آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت از جمله امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد.

بر این اساس نظام اجتماعی در هر جامعه ای برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی، و گزلشافتی شدن روابط اجتماعی موجب این شده که همبستگی های اجتماعی، مشارکت های مدنی، سرمایه های اجتماعی روابط جمعی و....کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد، و این مسائل باعث رشد آسیب های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده می گردد؛ از سوی دیگر کارویژه های نهادهای درون نظام اجتماعی در حال کمرنگ شدن و کاهش بوده است، به گونه ای که ابعاد مختلف امنیت با افزایش جرائم در وضعیت بحرانی شدید قرار گرفته است و فرصت ها و خلاقیت های شهروندان در حال امحاء بوده و این مسائل باعث شده که نگرانی های بسیاری در زمینه حیات جمعی جامعه افزایش یابد.

بر این اساس چنانچه ملاحظه می گردد استمرار وجوه امنیت اجتماعی می تواند امنیت جامعه و نهادهای اجتماعی را تضمین و تامین نماید.بسترهای امنیت بخشی و امنیت زدایی در تعاملات اجتماعی چگونه باید ساخته شود؟

همچنین امنیت از بُعد مطالعات جامعه شناختی باید مورد اهتمام قرار گیرد.در جامعه ای که موضوعاتی چون "فاصله طبقاتی،فقر،فحشاء، اعتیاد، تعارضات بینشی و ایدئولوژیکی، بهداشت، روابط شی انگارانه رابطه های انسانی، تضادها، سوئ تفاهمات، سوء تعبیرها، از خود بیگانگی ها، گم گشتگی، و....." به عنوان برخی از انحرافات و آسیب های اجتماعی مطرح است، مهمترین کارکردها و اهداف اساسی این پدیده اجتماعی در سطح جامعه چه می باشد؟

امنیت اجتماعی به عنوان پدیده ای اجتماعی که دریک جامعه از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی برخوردار است، به عنوان پدیده ای در مسیر تحولات اجتماعی برسرراه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرد، و در صورت عدم تحقق آن مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد.

با توجه به اینکه توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای دو بُعد ارزش- هنجاری و اثباتی – واقعی است، امنیت به عنوان یک پدیده اجتماعی از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و همچنین از بُعد اثباتی و واقعی در راستای مقدورات و محدودیت های موجود بر راه رسیدن به توسعه پایدار باید مورد مطالعه قرار گیرد.

با توجه به این مسئله و در راستای توسعه پایدار جامعه می توان اهداف توسعه را همگام با امنیت به دو دسته خاص و عام تقسیم نمود.« اهداف خاص مرتبط با ارزش های خاص هستند که بر حسب هریک از واحدهای اجتماعی نظیر گروه، قشر، طبقه،قوم، شهر، روستا، نظام اجتماعی و جامعه تغییر می یابند.ولی اهداف عام منبعث از ارزش های عام و فراگیر چون دانایی و خردگرایی، صداقت، و راستگویی، آزادگی و مردم سالاری، عدالت و مساوات طلبی، بهره برداری بهینه از منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و رشد و شکوفایی استعدادهای آنان و نظایر آن هستند که در بین همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترک اند و شاخص های عام توسعه را تشکیل می دهند.» (عبداللهی،۱۳۸۷: ۱۱)

۱-۱-۲- معیار اجتماعی شدن، ملاک امنیت

رویکردی در بحث مسئله اجتماعی مطرح است که مسئله اجتماعی را حاصل تشخیص نخبگان می داند.«بر این اساس، این نخبگان(سیاسی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی) هستند که با توجه به معیارهای ذهنی خود، وضعیت موجود در یک جامعه را در ارتباط با موضوعی خاص می توانند مسئله تلقی کنند یا نکنند.در این صورت پذیرش این رویکرد، وظیفه جامعه شناسان در ارتباط با مسئله اجتماعی، بدون توجه به زمینه اجتماعی و نحوه عموم از آن، برنامه ریزی در جهت حل آن است.بدیهی است چون اعضاء جامعه حاملین مادی مسئله اجتماعی در ارتباط با آنچه مسئله تلقی شده است توجیه نیستند و آن را مسئله تلقی نمی کنند، انتظار همراهی آن ها با اقدامات معطوف

به حل مسئله نیز محقق نمی شود.در این رویکرد به مسئله اجتماعی، همچنین حداقل به طور ذهنی می توان وضعیتی را متصور شد که در آن جامعه موضوعی را به عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی می کند در حالیکه نخبگان چنین برداشتی ندارند و یا بالعکس آنچه نزد نخبگان مسئله تلقی می شود، نزد اعظاء جامعه یک مسئله درک نمی شود.» (افشارکهن،۱۳۸۲: ۶) باتوجه به این رویکردپدیده امنیت و بالاخص امنیت اجتماعی، در راستای وفاق و همبستگی اجتماعی در جامعه و ارتقاء سرمایه های اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی گروه ها و هویت های مختلف جامعه در راستای استمرار نظم اجتماعی و توسعه پایدار جامعه بسیار اهمیت دارد، و به عنوان نوعی مسئله اجتماعی با توجه به معیارهای ذهنی نخبگان (سیاسی- اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی) وضعیتی متصور می شود که باید درجامعه و حیات اجتماعی بهبود یابد.

۱-۲-طراحی محیط(cpted)

نظریه CPTED را می توان این گونه تعریف کرد: طراحی مناسب و کاربری موثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می شود (قورچی بیگی، ۱۳۸۹، ۳۴۸).به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده ی درست از محیط می تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و ترس از جرم را کاهش دهد(Crowe ، 2000، p46) می توان گفت که نظریه CPTEDرهیافتی جدید است که سابقه ای طولانی دارد.این نظریه محصول دهه ی ۶۰ به بعد میلادی در آمریکا است.شاید قبل از این، هیچ گاه به این اندازه به تأثیر محیط ساخته شده بر جرم پرداخته نشده بود.بعد از این دهه بود که در اثر فعالیت های افرادی چون جین جاکوبز با کتاب "حیات و مرگ شهر های بزرگ آمریکا (Jacobs، 1961)، اسچلمو آنجل با کتاب "پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری(Angel "، 1968)، الیزابت وود با کتاب "جنبه های اجتماعی خانه سازی در توسعه شهریWood) "، 1976، این نظریه و روابط میان محیط و جرم بیشتر آشکار شد.

کتاب معروف خانم جیکوبز با نام " حیات و مرگ شهر های بزرگ آمریکا"، به واقع سرمنشاء آغاز تحقیقات در مورد تأثیر عوامل شهری فیزیکی و اجتماعی بر رفتار و تعاملات مردم آنها تلقی می شود.وی از جمله کسانی است که نخستین بحث ها را در خصوص "زوال شهری (Urban Decay) "و ارتباط آن با جرم، انجام داده است.به عقیده جفری، این جاکوبز بود که نخستین جرقه های مربوط به چگونگی ارتباط شرایط محیطی با پیشگیری از جرم را بیان کرد.کتاب آنجل با نام "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" (۱۹۶۸) اشاره به این امر داشت که چگونه شهروندان می توانند نقش فعالی در پیشگیری از جرم داشته باشند.وی کار خود را با مشخص کردن محیط هایی که در آن قابلیت ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم در آنها فراهم بود، آغاز کرد.وی بر این عقیده بود که بعضی از مناطق در مقایسه با سایر مناطق از میزان جرائم بیشتر برخورداند، به این علت که فرصت بیشتری برای مجرمان معقول فراهم آورند.به عبارت دیگر، مجرمان از طریق فرایند تصمیم گیری، آماج های مورد نظر خود را انتخاب می کنند و در این فرایند، تلاش و خطر رسیدن به نتیجه ی حاصله را مورد ارزیابی قرار می دهند.

جین جاکوبز ایده ای طراحان شهری در آن زمان را به چالش کشید.طراحان شهری عقیده داشتند که محله ها باید از یکدیگر مجزا بوده و خیابان های خلوت امن تر از خیابان های شلوغ هستند.وی درباره ایده ی طراحی شهری در آن دوران اعتقاد داشت که روش های طراحی شهری، مردم را از افزایش چارچوب های اجتماعی برای خود-نظارتی موثر ناتوان می سازد.وی برای امن تر شدن خیابان ها در کتاب خود پیشنهاد می کند که فضاهای عمومی از خصوصی از یکدیگر مشخص شوند و کاربری خیابان نیز متنوع و گوناگون شود.در این دهه (شصت میلادی) بیشتر فعالیت ها بر تأکید و اثبات رابطه ی میان محیط فیزیکی و جرم قرار داده شده است.از اواسط دهه ی هشتاد میلادی با شکل گیری نظریه "جرم شناسی محیطی(Brantingham ، ۱۹۹۱) و نظریه های دیگر همچون "پنجره های شکسته" و تقویت اصول و مبانی نظری پیشگیری وضعی (نظریه انگلیسی در مقایسه با نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی)، مبانی نظری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی نیز قوت بیشتر یافت.البته ریشه جرم شناسی محیطی و مطالعه در مورد "نقاط جرم خیز " (Hot Spot)و مکان های خطرناک را می توان در اواسط قرن نوزدهم مشاهده کرد.در واقع از همین دهه بر مکان، به عنوان یکی از عناصر چهارگانه ی جرم (مجرم، بزه دیده، مکان و جرم) تأکیده شده است.

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در ابتدا به وسیله س سی.ری.جفری ابداع و تنظیم شده است.در همین زمان اصطلاح محدود تری توسط اسکار نیومن تحت عنوان "فضای قابل دفاع" مطرح شد.این دو، کار خود را بر مبنای کار اسچملو آنجل، الیزابت وود و جین جاکوبز قرار داده بودند.کتاب جفری تحت عنوان "پیشگیری ازجرم از طریق طراحی محیطی" در سال ۱۹۷۱ منتشر شد.کتاب نیومن که همزمان با کتاب جفری به چاپ رسید "فضای قابل دفاع" نام داشت.دیدگاه نیومن مورد تائید و حمایت سایر نظریه ها چون CPTEDقرار داشت.نیومن، جفری را، به وجود آوردنده و منشاء اصلی این مفهوم می داند و این نظریه را به وی نسبت می دهد.دیدگاه نیومن باعث ارتقاء دیدگاه جفری درباره نظریه CPTED شد و منجر به بازنگری مجدد کتاب توسط جفری گشت.جفری جنبه ها و ابعاد

مختلف این دیدگاه را بررسی کرد و آنها را گسترش داد و نهایتا در سال ۱۹۹۰ کتاب خود را دوباره منتشر نمود.الگوی جفری از الگوی نیومن بسیار جامع تر و کامل تر بود.

۲- رویکرد پیشگیرانه طراحی محیط بروی امنیت

در مدیریت محیط باید به این نکته دقت کرد که عواملی را که باعث تسهیل وقوع جرم وخرابکاری می‌شوند را باید بر طرف نمود.به عنوان مثال اگر یک سارق بتواند با ایستادن بر روی یک سطل زباله به پنجره طبقه دوم ساختمان راه یابد، آن سطل باید به جای دیگر برده شود و از زیر آن پنجره دور شود.قرار دادن و کاشت گیاهان و گل‌های خاردار بیرون پنجره‌ها نیز می‌تواند مانع جرم شود.دریچه‌ای که از آن هوای داغ خارج می‌شود را می‌توان نزدیک پنجره هم کف قرار داد تا مانع ورود شود .

به منظور تقویت سیبل‌های جرم در اجتماعات ممکن است هر از گاهی لازم باشد تعداد خیابان‌های در دسترس مجرمان را کاهش دهند.تحقیقات نشان داده است که در شهر لسآنجلس زمانی که در بعضی از خیابان‌ها، از خیابان‌بندهایی استفاده شده است که نتیجه آن کاهش ضرب و جرح از ۱۹۰ مورد به ۱۶۰ مورد در سال اول و از ۱۶۳ مورد به ۱۳۷ مورد در سال بعد بود، در این مورد میزان قتل نیز به نحو چشمگیری کاهش یافت.

دولت فدرال غالباً از محکم‌سازی سیبل برای محافظت از ساختمان‌های حساس خود استفاده می‌کند.ساختمان FBI بر روی بلندی ساخته شده تا از خسارت ناشی از انفجار رفت و آمد اتومبیل‌ها را بمب در سطح خیابان بکاهد.برای کاهش احتمال ترور رئیس‌جمهور، رفت و آمد اتومبیلها را در قسمتی از خیابان پنیسلوانیا در مقابل کاخ سفید مسدود کردند (T.D.Crow.1988.pp.18-24).حفاظت از آماج‌ها و سیبل برای جلوگیری از وقوع جرم می‌تواند از طریق یکی از راه‌های ذیل باشد:

۱- کاهش فرصت اعمال خرابکارانه

در این روش باید از وسایل مشخصی مانند شیشه‌های روکش دار، رنگ‌های مقاوم، یا طراحی خاص همانند عدم استفاده از دیدارهای سخت و خالی استفاده کرد.

۲- استفاده از مواد با پوشش‌های سخت.

در این روش با استفاده از پوشش‌های سخت ارتکاب جرم را با مشقات زیاد روبرو می‌سازیم.مثل سنگ کاری.

۳- استفاده از تابلوها و هشدارها جهت اعلام عدم خرابکاری ساکنین یا سایر افراد.

در این روش افراد را از اینکه دست به خرابکاری بزنند و یا اینکه با اعمال خود چهره و زیبایی محل را از بین ببرند منع می‌کنیم.زیبایی و نشاط محیط در کاهش بزه‌دیدگی بالقوه بسیار مؤثر است.

با بررسی اصول عملی حاکم بر پیشگیری از جرم به این نتیجه می‌رسیم که برخی به صورت بالابردن خطر ارتکاب برای مرتکب و برخی با مجبور کردن وی جهت افزایش تلاش برای ارتکاب جرم و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم در کاهش وقوع جرم مؤثر هستند.پس از شناخت این اصول به بحث از چگونگی به‌کارگیری این اصول عملی می‌پردازیم.در کنار اصول فنی بحث در مورد ضمانت اجراهای به‌کارگیری این اصول نیز ضروری است.

رویکرد پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط مشتمل بر سه بخش است که هر یک در ادامه دیگری و برای تکمیل آن شکل گرفته است.نسل اول CPTED اولین بخش این رویکرد است که ایده اصلی آن در دهه ۱۹۶۰ با انتشار کتاب " مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی" نوشته جین جکوبز شکل گرفت.در واقع تاکید بر چشمان ناظر بر خیابان در این کتاب، جرقه‌ای بود که به شکل‌گیری این رویکرد انجامیده و در قالب اصل نظارت طبیعی در اصول CPTED جای گرفت.اما رویکرد نسل اول در گذر زمان و به جهت عدم توجه به تمامی ابعاد موثر در وقوع جرم از سوی گروهی از منتقدین مورد نقد قرار گرفت.عمده انتقاد وارد بر این رویکرد را می‌توان در تمرکز بر ابعاد فیزیکی محیط و غفلت از وجود شبکه‌های بهم پیوسته اجتماعی و به دیگر عبارت زیرساخت‌های اجتماعی دانست.نتیجه بیان این نقیصه، توسط گروهی از منتقدان به عملکرد نسل اول CPTED، سبب شکل‌گیری نسل دوم این رویکرد گردید.به‌این ترتیب نسل دوم CPTED، هرچند اصلاحات فیزیکی را برای شروع کار لازم دانسته اما در ادامه، اجرای راهکارهای اجتماعی را با محوریت ایجاد همبستگی اجتماعی، ضروری دانستند.نظریه‌پردازان این رویکرد، در ادامه به فکر ایجاد مدلی افتادند که با کاربست آن بتوان از طریق اجرای راهکارهای نسل‌های اول و دوم، امنیت بدست آمده را در محلات مسکونی، پایدار نگهداشت.بعقیده آنها می‌بایست روشی بوجود می‌آمد که با رعایت آن، امنیت نه با کاربست روش‌های پیشگیرانه، که از دل محلات سالم و پایدار برخیزد.با طرح این ایده، مدلی چند جانبه و یکپارچه به نام امنیت‌گستری بوجود آمد که با راهکارهای برنامه‌ریزی، امنیت ایجاد شده در محلات را به مدت طولانی، به دست خود ساکنین و با همکاری متخصصین این عرصه، پایدار نگه می‌داشت.

نتیجه گیری و پیشنهادات

بزهکاری پدیده ای اجتماعی – انسانی است که همه جوامع بشری از دیر باز با آن روبرو بوده اند این امر به خصوص در قرن حاضر و به دنبال تحول پدیده های سنتی و ظهور مولفه های جدید در زیست انسانی ، روند روبه رشدی را دنبال کرده است ، بدیهی است در چنین وضعیتی ، صرف به کارگیری ابرازهای کیفری (واکنشی) در جهت مقابله و سرکوب بزهکاری ، را ه به جایی نبرده و به همین دلیل ، نظامهای سیاست جنایی مختلف ، به بهره جستن از ابزار های پیشگیری غیر کیفری (کنشی) روی آورده اند.

کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و پدیده بزهکاری در آن ، همچون سایر کشورها یکی از معظلات مهم اجتماعی است .اهتمام جدی قانونگذار به پیشگیری از بزهکاری در برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی مواد قانون سازمان بهزیستی کشور وقانون ، نظام جامع رفاه متجلی شده است.

ارتکاب اعمال مجرمانه را می‌توان نوع خاصی از رفتار دانست.بنابراین با استفاده از اصول طراحی فیزیکی اعم از معماری و شهرسازی مبتنی بر اندیشه‌های جرم‌شناسی می‌توان از وقوع جرایم پیشگیری نمود.

در خصوص اصول صحیح معماری باید توجه نمود که معماری باید بتواند با افزایش احتمال کشف و دستگیری، خطر ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهد.همچنین معماری باید بتواند با افزایش تلاش برای موفقیت در دست یافتن در ارتکاب جرم از طریق افزایش مدت زمان حصول نتیجه، نیاز به بکارگیری انرژی بیشتر و همچنین امکانات بیشتری برای دست‌یابی به هدف را افزایش دهد.با این کار معماری می‌تواند منفعت حاصله از ارتکاب جرم را کاهش دهد.برای رسیدن به این نتیجه چهار اصل عمده، در این تحقیق پیشنهاد شد.چهار اصل مهمی که در پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری و شهرسازی مؤثرند عبارتند از نظارت، کنترل ورودی‌ها، تقویت حس قلمرو و محافظت از سیبل‌های جرم.

«نظارت» به مفهوم اینکه افراد بتوانند ببینند و دیده شوند از مهمترین اصول در معماری بدون جرم می‌باشد.مراقبت و نظارت طبیعی با همه اهمیتی که دارد، نمی‌تواند به تنهایی موجب پیشگیری از وقوع جرم گردد.در بسیاری از موارد عابرین و ناظرین ممکن است از مداخله در جرم و جلوگیری از وقوع آن سرباز زنند.معماری می‌تواند بر این اجتناب، تأثیر گذارد.در مورد چگونگی این تأثیر می‌توان سه احتمال را در نظر گرفت.اول اینکه تأثیری که دیدن جرم بر ناظر می‌گذارد بسیار بیشتر از تأثیری است که در شنیدن صرف جرم می‌باشد.بنابراین تحریک بیشتری برای دخالت وجود دارد.نکته دوم این است که هرچه تعداد افرادی که در محل وجود دارند بیشتر باشد، احساس خطر از جهت دخالت، در ناظر کمتر ایجاد می‌شود.بنابراین افراد با فراغ بال بیشتری اقدام به مداخله می‌نمایند.سوم اینکه مداخله ناظری که احساس می‌کند عضوی از یک جامعه است معمول‌تر است و معماری می‌تواند از طریق به کارگیری کارکردهای کاهش انزوای اجتماعی، این احساس را در افراد تقویت کند.بنابراین رؤیت‌پذیری صرف نباید مد نظر معماران باشد؛ بلکه آنها باید به توسعه شرایطی بپردازند که تحت آن احتمال اینکه افراد به عنوان مراقبین مداخله و عمل کنند را افزایش دهند.

نقش دولت در معماری و شهرسازی نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد.با توجه به وضعیت اقتصادی مردم جامعه، گاهی استطاعت مالی را برای جامه عمل پوشاندن به الزامات جرم‌شناسی ندارند.وانگهی در بسیاری از مواقع از این الزامات آگاهی ندارند.دراین خصوص، دولت باید وارد عمل شده و بودجه مناسبی برای این امراختصاص دهد.قسمتی از این بودجه را می‌توان در ایجاد فضاهای مکمل در سطح شهر به کار برد.ایجاد این فضاها به دلیل محدودیت فضاهای مسکونی، به خصوص در عصر حاضر، ضروری می‌باشد.وضع قوانین در خصوص معماری صحیح برای معماران می‌تواند برای طراحی صحیح مؤثر باشد.شهرداری‌ها می‌توانند دادن پایان کار را منوط به رعایت نکات فنی وضعی جهت پیشگیری از وقوع جرم در آن ساختمان یا مجتمع مسکونی یا اداری نمایند.در خصوص این قوانین به عنوان مثال می‌توان به استفاده بهینه از عوامل طراحی از قبیل رنگ، زیبایی محیطی و مبلمان شهری در سطح معماری مسکونی و شهرسازی، اشاره کرد.قوانین ساختار شهری می‌بایست در راستای علاقمند کردن مردم به فضاهای عمومی شهر و ایجاد حس مالکیت در آنها باشد.معماری و شهرسازی راهکارهای متعددی برای ایجاد این حس در افراد دارد.

منابع و مراجع

[۱] جیکوبز, ج. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی. (ح. پارسی, & آ. افلاطونی, مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[۲] رحمت، محمد رضا، «نقش طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم:بررسی نظریات محققین»، فصلنامه حقوقی گواه،شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵

[۳] رحمت، محمد رضا، «نقش طراحی محیط در پیشگیری از وقوع جرم:بررسی نظریات محققین»، فصلنامه حقوقی گواه،شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵

[۴] رسولی ،محمدرضا ،(۱۳۸۲)، بررسی مؤلفه های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلوزیون، مجله علوم اجتماعی.

[۵] شریفی، احمد حسین،(۱۳۹۱) همیشه بهار، تهران: انتشارات نهاد رهبری، ۱۳۹۱.

[۶] شیانی، ملیحه، (۱۳۸۳) فقر،محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره۲۷،

[۷] صالحی, ا. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

[۸] صالحی, ا. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

[۹] صالحی, ا. (۱۳۸۸). نقش شهرسازی(نظریه محیطی) در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار شهری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی , ۱۲۷-۱۳۷.

[۱۰] صفاری، علی، «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰

[۱۱] عبدی, ث. (۱۳۹۰). مسکن ایمن در برابر جرایم، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم‌وصنعت ایران.

[۱۲] علیدوستی، ناصر،(۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، مسلسل۴۴.

[۱۳] فالکس،کیث،(۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی افروز، تهران: انتشارات کویر

[۱۴] گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۰

[۱۵] ماندال، رابرت،(۱۳۸۷).چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی،چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[۱۶] مجردی، سعید(۱۳۹۱).اینترنت و امنیت اجتماعی.چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[۱۷] محمد بارانی بیرانوند، پیشگیری از بزه‌دیدگی سرقت، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، سال ۱۳۶۷

[۱۸] مزینی، منوچهر، «فرهنگ و زیبایی شناسی شهری»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۵

[۱۹] معصومی، مسعود و میراحمدی، منصور؛ جامعه مدنی در مطبوعات، قم، طاها، ۱۳۷۸، چاپ اول

[۲۰] مک سوینی، بیل(۱۳۹۰).مقدمه ای بر جامعه شناسی امنیت.ترجمه محمد علی قاسمی و محمد رضا آهنی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[۲۱] مک کین، لای، آر، لیتل، (۱۳۸۰) فرهنگ امنیت جهانی، ترجمه اصغر افتخاری، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[۲۲] مولانا، حمید؛ جامعه‌ی مدنی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۲، چاپ اول

[۲۳] مهدوی کنی، محمد سعید،(۱۳۸۷) «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، تحقیقات فرهنگی ایران، پیاپی .

[۲۴] ناهید خوشنویس(۱۳۸۹)، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه روابط عمومی ایران.

[۲۵] نقره کار، عبدالحمید، «حفظ ارزشهای فرهنگی در معماری و شهرسازی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۵

[۲۶] نوروزی، فیض اله و گل پرور، منا، (۱۳۸۹)، بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروند و عوامل موثر برآن، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹.

[۲۷] نیومن, ا. (۱۳۸۷). خلق فضاهای قابل دفاع. (ف. رواقی, & ک. صابر, مترجم) تهران: طحان.

[۲۸] واعظی، احمد؛ جامعه دینی جامعه مدنی، قم، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷

[۲۹] ولی زاده، جواد، (۱۳۹۲)، «ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی ـ ایرانی) از سبک زندگی»، فصلنامه علمی ـ تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، س ۸، ش ۷۵.

[۳۰] هاشمیان فر، سیدعلی و گنجی، محمد، (۱۳۸۸)، تحلیل بر فرهنگ شهروند در شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۱۵

[۳۱] هزار جریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل،(۱۳۹۰)، آگاهی زنان از حقوق شهروندی، و عومل موثر بر آن، مجله مطالعات پژوهش های شهری منطقه ای، سال سوم، شماره۹.